

بررسی عملکرد مالی بانک‌های خصوصی شده جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با بانک‌های اسلامی منتخب حوزه خلیج فارس

دکتر محمدرضا حیدری^۱

سیدمحمد فاطمی ورزنده^۲

چکیده

نظام بانکی در کشورهای مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نظام با گردش مناسب وجوه می‌تواند کارآمدی را در اقتصاد به همراه آورد و در صورت کارکرد نامناسب، فعالیت‌های دیگر بخش‌های اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد. در ایران، هر چند بانکداری بدون ربا در عرصه نظری، پیشرفت‌هایی داشته است، اما قدرت رقابت‌پذیری و ابعاد عملیاتی آن در سطح فراملی محدود و اندک است. عوامل متعددی برای این موضوع تأثیر دارند؛ عدم همسویی با استانداردهای بانکداری اسلامی و ضوابط عملیاتی کمیته بال، عوامل سیاسی مانند تحریم‌ها و ریسک تطابق عقود با ضوابط فقهی، از جمله چالش‌هایی هستند که نظام بانکی ما را در برقراری ارتباط و همچنین بالابردن کیفیت شاخص‌ها، محدود نموده‌اند. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی نگارش یافته، به مطالعه عملکرد مالی بانک‌های خصوصی شده جمهوری اسلامی ایران با بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس براساس شاخص‌های کامل (CAMEL)^۳ می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد بانک‌های منتخب اسلامی از نظر شاخص کفایت سرمایه، کنترل ریسک‌های اعتباری، شاخص کیفیت مدیریت و نیز شاخص نقدینگی وضعیت مناسب‌تری نسبت به بانک‌های خصوصی شده ایرانی دارند.

واژگان کلیدی: عملکرد مالی، نسبت‌های مالی، بانکداری اسلامی، شاخص کامل (CAMEL)

طبقه‌بندی JEL: E59, G21

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان، heidari@isu.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران واحد اصفهان و نویسنده مسئول، fatemise57@gmail.com

^۳ حروف اختصاری (CAMEL) معرف کلمات سرمایه (Capital)، دارایی (Assets)، مدیریت (Management)، درآمد (Earnings) و نقدینگی (Liquidity) است و هر یک، ناظر به جوانب مختلف سلامت بانک می‌باشد. بنابراین سیستم (CAMEL) سلامت نسبی بانک یا مؤسسه را از نظر مالی سنجیده و توسط مقامات نظارتی براساس درجه‌بندی یک تا پنج صورت می‌گیرد.

مقدمه

نزدیک به سه دهه است که صنعتی جدید به نام «بانکداری و مالیه اسلامی» مطرح شده و طی این مدت، تقاضای روزافزونی برای برخورداری از محصولات و خدمات بانکی و مالی اسلامی، چه در کشورهای اسلامی و چه در غرب به وجود آمده است. بسیاری از منابع و پژوهش‌ها در زمینه بانکداری اسلامی، شروع بانکداری اسلامی را در کشور مصر با تأسیس بانک پس‌انداز میت قمر مصر^۱ در سال ۱۹۶۳ می‌دانند.

بانکداری اسلامی، به مدیریت پولی و مالی اطلاق می‌شود که عملیات آن منطبق با قوانین و شریعت اسلامی است و خدمات آن براساس قوانین معاملات اسلامی و یا فقه معاملات اجرا می‌شود. بانکداری اسلامی بر مبنای اصل پذیرش ریسک و پذیرش سود و زیان در معامله به جای درخواست صرف بهره شکل گرفته و بیشتر بر سرمایه‌گذاری در بخش‌های حقیقی اقتصاد تأکید می‌کند.

بانکداری اسلامی پس از بحران مالی در جهان با داشتن ویژگی‌هایی از جمله ممنوعیت انجام معاملات ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه‌گذاری، برقراری ارتباط میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد و محدودیت فعالیت‌های سفته بازی در نظام بانکداری اسلامی، به عنوان جایگزین مطمئن و خوبی برای بانکداری معمولی انتخاب شده است و تمایل به آن در کشورهای مختلف جهان از جمله اروپا، کانادا، انگلیس و آمریکا در حال افزایش است. همزمان با رشد بازار اقتصاد اسلامی در کشورهای اسلامی و کشورهای غربی، بسیاری از بانک‌ها تلاش می‌کنند خدمات مالی و اقتصادی خود را با موازین شریعت اسلام همسان کنند تا علاوه بر جذب مشتریان بیشتر بتوانند سهمی از این بازار در حال رشد را به خود اختصاص دهند. به موازات افزایش درخواست بانک‌ها به منظور پیوستن به بازار مالی در حال توسعه اسلامی، بانکداری اسلامی نیز در سراسر جهان گسترش یافته و این امر استفاده از تسهیلات بانکی و قوانین مالی شرع اسلام را آسان کرده است. در حال حاضر، بانکداری اسلامی به پدیده‌ای در حال رشد تبدیل شده و سهم بزرگی از بازار اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس را در اختیار گرفته است. بسیاری از شعب بانک‌های مشهور

^۱ MitGhamr Saving Bank

غربی، شعبه‌هایی را در کشورهای اسلامی تأسیس و خدمات خود را با موازین شریعت اسلامی همسان می‌کنند تا علاوه بر ارائه خدمات، مشتریان بیشتری به دست آورند. در میان این نمونه‌ها می‌توان به فعالیت بانک HSBC، به‌عنوان یکی از بزرگترین گروه‌های بانکداری در جهان و سومین بانک بزرگ جهان در مالزی اشاره کرد. در مجموع، گسترش و رونق بانکداری اسلامی در میان کشورهای اسلامی از یک‌سو و تقاضای کشورهای غربی مبنی بر تطابق قوانین بانکداری خود با قوانین اسلام از سوی دیگر، رشد چشمگیر این نوع نظام سوددهی اسلامی را رقم زده و توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران و بانکداران سراسر دنیا را به خود جلب کرده است.

تصویر کلی از وضعیت بانکداری اسلامی در جهان نشان می‌دهد، در حال حاضر، بیش از ۱۴۱ بانک اسلامی در کشورهای مختلف وجود دارد که ۸۵ بانک از کل بانک‌های اسلامی، بانک‌هایی کوچک با دارایی‌های کمتر از ۳ میلیارد دلار، ۱۲ بانک با دارایی‌های بین ۳ تا ۸ میلیارد دلار و ۱۳ بانک با دارایی بین ۸ تا ۲ میلیارد دلار هستند. براساس آمار به‌دست آمده از نشریه بنکر در سال ۲۰۱۲، ارزش کل دارایی‌های منطبق بر شریعت در جهان معادل ۱۲۶۷ میلیارد دلار است که بانک‌های کاملاً اسلامی مبلغ ۱۰۱۹ میلیارد دلار آن را در اختیار خود دارند. این در حالی است که براساس طبقه‌بندی جغرافیایی، کشورهای PGGC (عربستان سعودی، امارات، بحرین، عمان، قطر و کویت)، منطقه منا (غیر از PGCC) و آسیا به‌ترتیب با ۴۹۷ میلیارد دلار، ۴۹۰ میلیارد دلار و ۲۴۹ میلیارد دلار، بیشترین دارایی‌های منطبق بر شریعت را تشکیل می‌دهند. افزون بر این، بانک‌های اسلامی، سودی معادل ۱۴/۷ میلیارد دلار با متوسط نرخ بازده دارایی ۱/۵ درصد را طی سال مذکور کسب کرده‌اند، از این‌رو، این بازار موقعیتی فعال و پرنرژی در سطح جهانی دارد و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد تا سال ۲۰۲۰ هر سال شاهد ۲۰ درصد رشد باشد که این مقدار حداقل دو برابر سریع‌تر از بانکداری رایج در سطوح کلان است. (محرابی، ۱۳۹۳)

براساس رتبه‌بندی انجام شده، ایران در میان سایر کشورها، از نظر حجم دارایی‌های منطبق بر شریعت، رتبه نخست را به خود اختصاص داده است و در سال ۲۰۱۲، حدود نیمی از کل دارایی‌های اسلامی جهان مربوط به ایران و بعد از آن، به‌ترتیب مربوط به عربستان سعودی، مالزی و امارات متحده عربی با ۱۲ درصد، ۱۰ درصد و ۸ درصد است. این

در حالی است که ارزش این نوع دارایی‌ها در ایران با میزان ۴۷۵ میلیارد دلار، حدود ۲ برابر کشور عربستان و ۲/۴ برابر کشور مالزی است. از نظر میزان سرمایه و سپرده‌ها نیز، ایران نسبت به سایر کشورها (به ترتیب با ۵۰ میلیارد دلار و ۳۵۰ میلیارد دلار) در مقام نخست قرار گرفته است و به ترتیب کشورهای عربستان، امارات متحده عربی و کویت از نظر سرمایه و کشورهای مالزی، امارات متحده عربی و عربستان از نظر سپرده رتبه‌های بعدی را در برمی‌گیرند. براساس این رتبه‌بندی، نقش بانک‌ها و مؤسسات مالی ایران، در میان سیصد و هشتاد و یک بانک تجاری و تخصصی، شرکت‌های بیمه و مؤسسات مالی و اعتباری در جهان، بسیار چشمگیر و از نظر حجم دارایی‌ها، در بالاترین ردیف‌های این رتبه‌بندی قرار گرفتند. (همان، ۱۳۹۳)

به‌طور کلی، با توجه به بحران مالی بخش مسکن اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۸، فرصتی مناسب برای فعالان حوزه بانکداری اسلامی پدید آورد تا بتوانند توانمندی‌های نظام بانکداری اسلامی را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند که در معرض نوسانات کمتری قرار دارد و با بخش واقعی اقتصاد گره خورده و تأمین مالی آن دارای ثبات و کارایی بیشتری می‌باشد. در ایران نیز، نظام بانکداری بدون ربا از سال ۱۳۶۳ چنین عملکردی داشته و پایداری، رشد و ارتقای کارایی آن مستلزم ارزیابی و مقایسه آن با بانک‌های اسلامی سایر کشورهاست که این تحقیق با توجه به شاخص‌های کامل، به مقایسه بانک‌های ایران با سایر کشورهای اسلامی خواهد پرداخت.

در ادامه مقاله، عملکرد مالی بانک‌های خصوصی شده ایران و بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس براساس شاخص استاندارد CAMEL مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحقیق حاضر در چهار بخش تهیه شده است. پس از مقدمه، بخش دوم مقاله به مبانی نظری سنجش کارایی براساس شاخص کامل می‌پردازد. بخش سوم، روش تحقیق و پس از آن، آزمون فرضیه‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها انجام می‌گیرد. در پایان جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- مبانی نظری

عملکرد بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها به کارایی بانک‌ها در زمینه تجهیز و تخصیص بهینه منابع، محدودیت‌های مختلف در قوانین و مقررات، میزان کارمزد بین بانک‌ها و قابل انتساب می‌باشد.

در دنیای امروز بانک‌ها، در همه کشورهای جهان، نقش اصلی و اساسی دارند و سیاست‌ها و راهبردهای آن‌ها در توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، درآمد ملی و غیره مؤثر بوده است (کاظمی، ۱۳۸۷، ۲). از میان انواع بانک‌ها، بانک‌های تجاری از مهم‌ترین اجزای صنعت بانکداری هستند که مستقیماً ظرفیت توسعه پایدار صنعت بانکداری را از طریق عملیاتی و سطح مخاطره منعکس می‌کنند (یانگ و زائو، ۲۰۰۹).^۱ البته افزایش سودآوری بانک‌ها و کارایی مستلزم سنجش و تجزیه و تحلیل کارایی عملیات بانک‌ها است. بنابراین، اساسی‌ترین گام در بهبود عملکرد و بهره‌وری اندازه‌گیری آن‌هاست. در نتیجه، سنجش شاخص عملکردی مالی بانک‌ها اهمیتی ویژه دارد، زیرا آثار همه فعالیت‌های بانکی به‌نجوی در صورت‌های اساسی مالی نشان داده می‌شود و بدین‌صورت قابل ارزیابی است (غیور، ۱۳۸۸، ۳).

عملکرد کسب و کار، تابعی از کارایی^۲ و اثربخشی^۳ فعالیت تعریف می‌شود. چون اثربخشی بیانگر میزان دستیابی به اهداف است و کارایی به این موضوع اشاره دارد که منابع از نظر اقتصادی، چگونه برای کسب هدف به‌کار رفته‌اند و می‌توان آن‌ها را دو بعد مهم عملکرد دانست. نیلی و همکاران (۲۰۰۵)، در پژوهشی درباره طراحی سیستم اندازه‌گیری عملکرد انجام داده‌اند و تعریف‌هایی را برای عملکرد بیان کرده‌اند. از نظر آن‌ها از آنجا که عملکرد کسب و کار، تابعی از کارایی و اثربخشی فعالیت است، بنابراین، تعریف‌های زیر را می‌توان برای عملکرد بیان کرد.^۴

- اندازه‌گیری عملکرد می‌تواند فرایند کمی کردن کارایی و اثربخشی فعالیت تعریف شود.

¹ Yang & Zhao, 2009, p. 562

² Efficiency

³ Effectiveness

⁴ Neely et al, 2005, p. 1228

- شاخص عملکرد می‌تواند به‌عنوان معیاری برای کمی‌سازی اثربخشی و کارایی فعالیت تعریف شود.
 - سیستم ارزیابی عملکرد می‌تواند به‌عنوان مجموعه معیارهای مورد استفاده برای کمی‌سازی اثربخشی و کارایی فعالیت تعریف شود.
- بنابراین در عصر حاضر، به‌دلیل رقابت بین بانک‌ها و مؤسسات مالی، سیاست بانک‌ها برای بهبود عملکرد، جلب رضایت و اعتماد مشتریان، نیازمند شاخصی است تا فعالیت و شایستگی آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهد. شاخص‌های مالی به‌شرح زیر، شاخص‌های رایج در مؤسسات مالی و بین‌المللی و کمیته نظارت بر بانکداری بال بانک تسویه بین‌المللی (BIS)^۱ است. اکثر مؤسسات مالی و بین‌المللی ارزیابی‌کننده از این شاخص‌ها برای ارزیابی بانک‌ها و مؤسسات مالی، استفاده می‌کنند.

۱-۱-۱- شاخص CAMEL

این الگوی ارزیابی عملکرد بانک‌ها نخستین بار سال ۱۹۷۹ در ایالات متحده به‌وسیله سازمان نظارتی بانک‌ها تحت عنوان CAMEL نام‌گذاری شد و پس از آن گسترش پیدا کرد و به‌عنوان ابزاری مناسب برای نهادهای نظارتی و ارزیابی توانایی مالی مؤسسات مالی مورد استفاده قرار گرفت. تمام عواملی که در این الگو برای ارزیابی بانک‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، مورد توصیه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قرار گرفته‌اند.

شاخص CAMEL در اکتبر سال ۱۹۸۷ توسط اداره اتحادیه اعتبار ملی^۲ به‌کار گرفته شده است. درجه اعتبار، سودآوری و نقدینگی از جمله مهمترین معیارها برای تعیین شایستگی و سنجش فعالیت بانک است. به‌همین منظور، از سال ۱۹۸۸ کمیته نظارت بر بانکداری بازل نیز به‌کارگیری شاخص‌های CAMEL را برای ارزیابی نهادهای مالی لازم دانسته است.

^۱ Bank for International Settlements

^۲ National Credit Union Administration (NCUA)

همچنین بانک مرکزی آمریکا، بانک‌های تحت نظارت خود را با استفاده از شاخص‌های CAMEL، در یک مقیاس ۱ تا ۵ ارزیابی می‌کند. رتبه یک بالاترین رتبه (قوی‌ترین عملکرد) و رتبه پنج پایین‌ترین رتبه (ضعیف‌ترین عملکرد) است.

محور اساسی قرارداد بال برای قرن بیست و یکم،^۱ که به «پیشنهادات بال دوم» مرسوم شده، چارچوب نظارتی بانک‌ها و انضباط بازار می‌باشد که با اصول برآورد کفایت سرمایه بانک‌ها از شاخص‌های CAMEL سازگاری دارد.

بیانیه اهداف و محاسبه نسبت کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی (تهیه شده توسط سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی،^۲ در مارس ۱۹۹۹) در مورد یکی از متغیرهای شاخص‌های CAMEL می‌باشد.

انجمن ایالتی بیمه سپرده‌ها،^۳ رتبه‌بندی بانک‌ها و مؤسسات فعال واسطه‌گری مالی را عهده‌دار است و از شاخص‌های CAMEL استفاده می‌نماید. استفاده از شاخص‌های مالی مرسوم در مؤسسات مالی معتبر بین‌المللی و سنجش فعالیت‌های خود با این شاخص‌ها می‌تواند برای هر مؤسسه مالی در رسیدن به اهداف خود بسیار مؤثر باشد. اجزای این شاخص‌ها عبارتند از:

۱- **کفایت سرمایه:**^۴ براساس اصول کمیته بال (بازل)، شاخص کفایت سرمایه در ایران براساس ماده ۳ آیین‌نامه کفایت سرمایه ۸ درصد تعیین شده است. براساس این آیین‌نامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در مواردی که استانداردهای بین‌المللی و یا ضرورت حفظ سلامت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اقتضاء نماید حدود بالاتری را برای تمام یا برخی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تعیین نماید و هر چه قدر دارایی بانک پرریسک‌تر باشد، ضرایب ریسک بزرگتری به آن‌ها اعمال می‌شود و در نتیجه، مخرج کسر بزرگتر و نسبت کفایت سرمایه کوچکتر می‌گردد. در حال حاضر، این نسبت فقط ۸ درصد است، لیکن در بازل ۳ علاوه بر ۸ درصد بانک‌ها باید هر ساله قسمتی از سود خود را

¹ Basel Concordat for the 21st Century

² Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions – AAOIFI

³ Federal Deposit Insurance Corporation

⁴ Capital Adequacy

ذخیره کند تا مبلغی معادل ۲/۵ درصد سرمایه بانک نیز برای مقابله با بحران احتمالی تجهیز شود. بنابراین از ابتدای سال ۲۰۱۹ نسبت کفایت سرمایه بانکها باید حداقل به ۱۰/۵ درصد برسد. در غیر این صورت، از توزیع سود به سهامداران جلوگیری می‌شود. برای محاسبه کفایت سرمایه نیاز به دریافت آمارهای مندرج در ترازنامه می‌باشد که از تقسیم سرمایه پایه بر مجموع دارایی‌های موزون شده به ریسک محاسبه می‌گردد. کارکرد اصلی این شاخص، حمایت بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره و نیز حمایت از سرمایه‌گذاران می‌باشد.

۲- کیفیت دارایی‌ها:^۱ حفظ و بالابردن کیفیت دارایی‌های بانکها نه تنها در بانکداری اسلامی، بلکه در تمام نظام مالی الزام‌آور است. زیرا کاهش کیفیت دارایی‌ها، به مثابه کاهش سلامت بانکی و بروز ریسک‌های مختلفی از جمله ریسک نقدینگی، ریسک نکول و ریسک اعتبارات است. کیفیت دارایی‌ها در مؤسسات مالی مستقیماً با عملکرد مالی آن‌ها در ارتباط است. ارزش تسهیلات، وابسته به ارزش نقد شدن وثایق آن است، در حالی که ارزش سرمایه‌گذاری‌ها وابسته به ارزش بازار است. از این‌رو معیاری چون بررسی کیفیت دارایی‌های بانک شامل وام‌ها و اوراق آن‌ها، امکان ارزیابی و مقایسه عملکرد بانکها را فراهم می‌کند.

به‌منظور ارزیابی کیفیت دارایی‌ها از دو نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات و نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به تسهیلات اعطایی استفاده شده است. لیکن کاهش این نسبت طی روند، سبب مطلوب شدن وضعیت ریسک اعتباری و به عبارتی دیگر، افزایش کیفیت دارایی‌های بانک می‌گردد.

۳- کیفیت مدیریت:^۲ ثبات و پایداری مدیریت را باید به‌عنوان اساسی‌ترین متغیر مؤثر بر عملکرد بانک در نظر گرفت. حقیقت آن است که توانمندی هیأت مدیره و مدیرعامل بانک در شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل بر مخاطرات عملیات بانک، برقراری ثبات و سلامت در آن، ایجاد کارایی در عملیات و همچنین رعایت قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکی، می‌تواند ضمن جلب اعتماد عمومی به بانک، متضمن تداوم فعالیت و بقای آن نیز باشد. در همین ارتباط و در راستای ارزیابی ثبات و پایداری مدیریت بانک،

^۱ Capital Adequacy

^۲ Management Quality

معیارهای کمی متعددی تدوین و ارائه شده است؛ هر چند گروه کثیری از متفکران بانکداری قائل به این باورند که قضاوت و اظهار نظر در مورد مدیریت، تا اندازه زیادی جنبه کیفی دارد و این امر به‌ویژه در مورد مدیریت مخاطره عملیاتی و کارکرد نظام کنترل‌های داخلی مصداق پیدا می‌کند، اما در هر صورت، معیارهای کمی مشخصی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها در زمینه قضاوت و اظهار نظر در مورد ثبات و پایداری مدیریت بهره جست؛ از میان این معیارها می‌توان نسبت کل هزینه‌های بانک به کل درآمدهای بانک را در نظر گرفت.

۴- **درآمدها:** کیفیت و روند تحصیل درآمدها در نهاد مالی، ارتباط زیادی به چگونگی مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در آن نهاد دارد. کسب درآمد در نهاد مالی باید سودآور باشد، به‌نحوی که از رشد دارایی‌ها حمایت کرده و قابلیت اندوخته‌سازی در سازمان را بالا برده تا منجر به افزایش ارزش حقوق سهامداران گردد. عملکرد درآمدی خوب منتهی به افزایش اطمینان سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان و بخش عمومی نسبت به مؤسسه خواهد شد.

از متداول‌ترین نسبت‌ها در زمینه سنجش سودآوری بانک، نسبت سود خالص به دارایی‌های بانک یا همان نسبت بازده دارایی‌های بانک است. از دیگر نسبت‌های مربوط به سودآوری بانک، بازده حقوق صاحبان سهام است. این نسبت از تقسیم سود خالص به حقوق صاحبان سهام به‌دست می‌آید و بازتابی از متوسط بازده تعلق گرفته به سهامداران، به واسطه تخصیص منابع به بانک است. دستیابی به تصویری روشن از میزان پایداری و دوام سودآوری بانک و دامنه مخاطرات مؤثر بر آن مستلزم تأمل در منابع ایجاد سود، مانند درآمد تسهیلات اعطایی، درآمد کارمزد خدمات بانکی، درآمد حاصل از دارایی‌های بدون مخاطره و همچنین سایر درآمدهای عملیاتی است. به‌همین ترتیب می‌توان با استفاده از نسبت‌های هزینه، مانند هزینه کارکنان، هزینه سود پرداختی و هزینه‌های اداری و عمومی از کل هزینه‌های بانک و مقایسه آن با نسبت درآمدها، به نسبت کارایی دست یافت که از تقسیم هزینه کل به درآمد کل حاصل می‌شود.

¹ Earnings

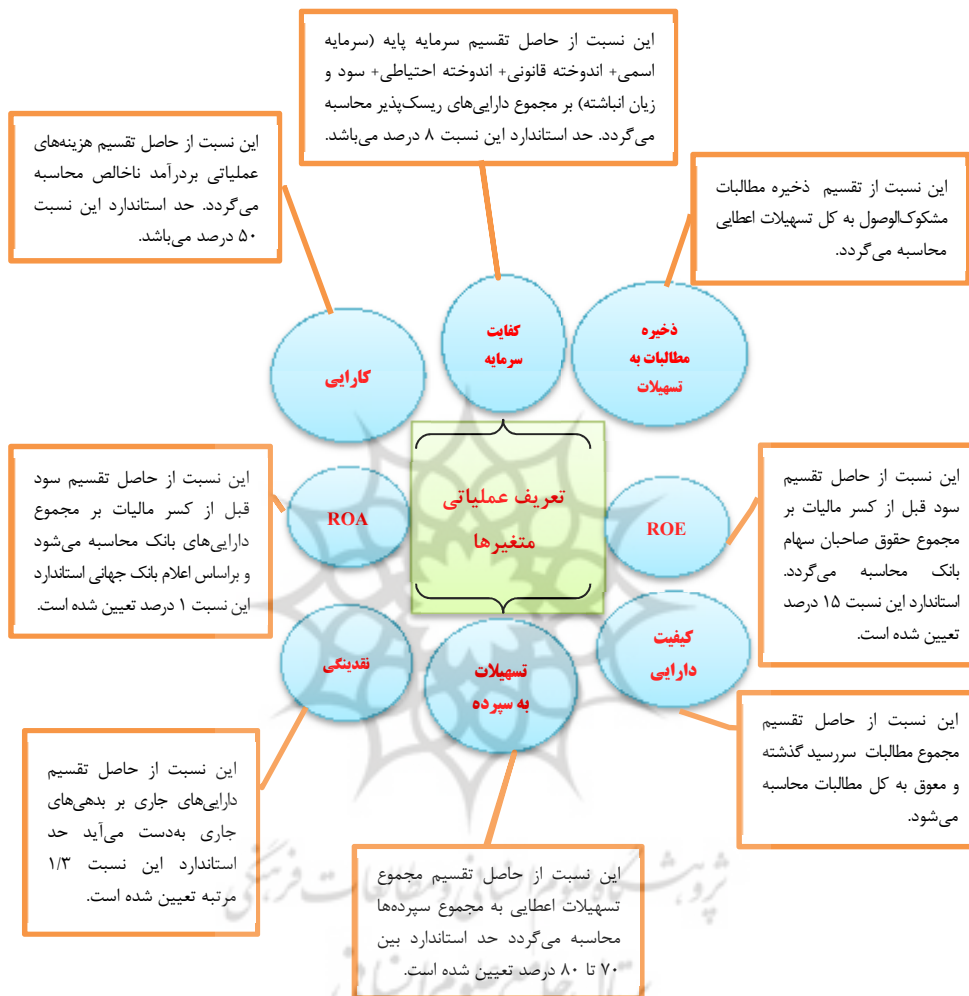
۵- نقدینگی^۱: کنترل نقدینگی، از مسئولیت‌های مهم مدیریت بانک است. استفاده از وجوه کوتاه‌مدت در سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت، بانک را با این ریسک مواجه می‌نماید که دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری ممکن است متقاضی دریافت وجوه خود باشند و این نکته بانک را مجبور به فروش دارائی‌های خود نماید. بانک باید دارای نقدینگی کافی برای پاسخگویی به تقاضای سپرده‌گذاران و وام‌دهندگان داشته باشد تا اطمینان عمومی را نسبت به خود جلب نماید. مؤسسات مالی نیازمند داشتن سیستم مدیریت دارایی و بدهی اثربخش بوده تا بتوانند عدم انطباق سررسید در دارایی‌ها و بدهی‌ها را حداقل و بازگشت آن‌ها را بهینه نمایند. همچنین نقدینگی با سودآوری، رابطه معکوس داشته، بنابراین نهادهای مالی باید بین نقدینگی و سودآوری تعادل مناسبی را برقرار کنند.

از دیدگاه بانکداری اسلامی، مدیریت نقدینگی به توانایی بانک در تجهیز برنامه‌ریزی شده منابع و تأمین تقاضاهای موجه اطلاق می‌شود. بدین ترتیب، عوامل اساسی در مدیریت نقدینگی، شامل شناسایی تقاضای موجه نقدینگی و پاسخگویی مناسب، با توجه به زمان و هزینه تأمین نقدینگی است. توانایی بانک اسلامی در فراهم کردن نقدینگی، نیازمند نگهداری دارایی‌های مالی با قابلیت نقدشوندگی بالا و قابلیت جابه‌جایی سریع است؛ بدین ترتیب، نقد بودن و قابلیت نقل و انتقال، مهم‌ترین اجزای چنین تعاملی هستند. نقد بودن دارایی بدین معناست که دارایی مالی باید در کمترین زمان (یک روز یا کمتر) در دسترس قرار گیرد، بدین‌منظور، بانک‌های اسلامی باید مقداری دارایی را به‌صورت نقد یا با سودآوری کم، نگهداری کنند. بنابراین، بانک‌های اسلامی می‌خواهند ضمن پاسخگویی به نیازهای نقدینگی، حجم دارایی‌های کم بازده را به حداقل برسانند و این در حالی است که رقابت روزافزون بانک‌ها از یک سو، و برداشت سپرده‌ها به علت تفاوت نرخ‌های سوددهی در بخش‌های مختلف اقتصادی از سوی دیگر، تلاش برای بهینه کردن دارایی‌های غیرسودآور را تشدید می‌کند.

برای محاسبه نسبت نقدینگی؛ از نسبت دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری استفاده می‌شود.

¹ Liquidity

نمودار شماره ۱: تعریف عملیاتی متغیرها



مأخذ: نگارندگان

۲-۱- پیشینه موضوع

۱-۲-۱- خارجی

جورج هالکون^۱، با استفاده از تعدادی از نسبت‌های کارایی مالی و روش تحلیل پوششی داده‌ها به ارزیابی عملکرد بانک‌های تجاری یونان در طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۹۹ پرداخته است. نتایج این تحقیق بیان می‌کند که با افزایش مجموع دارایی‌ها میزان کارایی بانک نیز افزایش می‌یابد. همچنین با کاهش تعداد بانک‌های کوچک از طریق ادغام و تحصیل می‌توان کارایی بانک‌ها را افزایش داد.

تحقیق سایرین و بار (۱۹۹۸)^۲، تحت عنوان نشانه‌های کارایی مولد در بانک‌های ایالات متحده شاخص‌هایی را برای اندازه‌گیری کارایی نسبی بانک‌های آمریکایی ارائه نمودند. دلیل آنها برای این انتخاب محدودیت‌های ذاتی روش‌های نسبت‌های مالی و مرزی تصادفی بود، زیرا روش‌های نسبت‌های مالی و مرزی تصادفی عوامل کمتری را در محاسبات به‌کار گرفته و ارتباط متقابل همه داده‌ها و ستاده‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دهند. سپس درجه‌بندی بانک‌ها با روش تحلیل پوششی داده‌ها را با درجه‌بندی مقایسه نموده که به‌وسیله محاسبه نسبت‌های مالی کمیته بال انجام گرفته و نتایج متفاوتی به‌دست آوردند. آن‌ها با استفاده از این روش اندازه‌گیری منابع، عدم کارایی و راه‌های ممکن افزایش کارایی مولد را رسیدگی نمودند. نشانه‌های کارایی مولد در زمینه شناسایی بهترین‌های صنعت به مدیریت بانک و دولتمردان کمک شایانی می‌نماید. به‌علاوه شواهد نشان می‌دهد که بانک‌های کارا به‌سوی ارائه عملکرد بهتر و تبدیل شدن به مؤسسات مطمئن‌تر گرایش دارند. در این تحقیق، داده‌ها عبارت بودند از: هزینه دستمزد، ساختمان و تجهیزات و انواع هزینه‌های وجوه و همچنین ستانده‌ها عبارت بودند از: سود دارایی‌ها، درآمد بهره و درآمد غیربهره.

صمد (۱۹۹۹) و صمد و حسن (۲۰۰۰) عملکرد بانک‌های تجاری و اسلامی مالزی را مورد مقایسه قرار دادند و نتیجه گرفتند که بانک‌های تجاری از نظر اندازه ریسک نقدینگی و بهره‌وری مدیریتی نسبت به بانک‌های اسلامی عملکرد بهتری داشته‌اند.

¹ Jorj Halkon

² Thomas F. Sirens and Richard S. Bar

یودیستیرا (۲۰۰۴)^۱، با استفاده از مدل DEA و دو فرض بازده ثابت و متغیر نسبت به مقیاس، کارایی فنی ۱۸ بانک اسلامی در ۱۲ کشور را طی دوره ۲۰۰۰-۱۹۹۷ بررسی کرد. وی در پژوهش خود تسهیلات، سایر درآمدها و دارایی‌های نقدشونده را به‌عنوان خروجی و هزینه کارکنان، دارایی‌های ثابت و سپرده‌ها را به‌عنوان ورودی در نظر گرفت و نشان داد که کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در تفاوت کارایی ظاهر شده در نمونه‌های مورد بررسی، ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه، بانک‌های اسلامی منطقه خاورمیانه نسبت به بانک‌های مشابه در خارج از منطقه از کارایی کمتری برخوردار هستند و بازار مشترک تأثیر معناداری بر کارایی نداشته است.

کادر و همکاران^۲ (۲۰۰۷) با استفاده از نسبت‌های مالی به بررسی عملکرد بانک‌های اسلامی و تجاری در کشور امارات طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۰ پرداختند، نتایج نشان داد بانک‌های اسلامی سودآورتر، کم ریسک‌تر و کارا تر بوده‌اند و نقدینگی کمتری نسبت به بانک‌های تجاری داشته‌اند.

اتیگوگوالاری (۲۰۰۹)^۳، با استفاده از رویکرد یاد شده به بررسی عملکرد بانک‌های قبرس پرداخت، این پژوهش برای یک‌دوره مشخص و با تمرکز بر پنج بانک بزرگ قبرس صورت پذیرفت و نتایج آن گویای این بود که نرخ سودآوری و کیفیت مدیریت در طول دوره مورد بررسی بهبود یافته است، هر چند نرخ کفایت سرمایه و کیفیت دارایی‌ها رو به وخامت گذاشته است.

یحیی و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی و مقایسه کارایی نسبی بانک‌های اسلامی و تجاری در مالزی با استفاده از تحلیل پوششی داده‌ها طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ پرداختند، نتایج نشان داد که کارایی بانک‌های اسلامی می‌تواند معادل کارایی بانک‌های تجاری در کشور مالزی باشد.

اجلونی و دیگران (۲۰۱۳)^۴، کارایی بانک‌های اسلامی اردن و کارایی نسبی هر بانک را طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ با استفاده از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها^۵ با فرض بازده ثابت

^۱ Yudistira

^۲ Kader, et al

^۳ Atikog Ullari

^۴ Ajlouni, et al

^۵ Data Envelopment Analysis (DEA)

نسبت به مقیاس و محاسبه نسبت‌های مالی مورد ارزیابی قرار دادند. در این تحقیق، با به‌کارگیری چهار متغیر ورودی (سپرده‌ها، دارایی‌های ثابت، هزینه‌ها و حقوق صاحبان سهام) و دو متغیر خروجی (تسهیلات و دیگر دارایی‌های درآمدزا)، نشان دادند که در طول دوره مورد بررسی، بانک‌های اسلامی اردن همواره کارا بوده و نوسان چشمگیری نداشتند. به عقیده آن‌ها در رتبه‌بندی بانک‌ها با استفاده از روش DEA و نسبت‌های مالی تفاوت معناداری وجود ندارد و مدیران بانک‌های اسلامی اردن باید کارایی بانک‌ها را از طریق بهبود در تخصیص و استفاده از منابع برای تولید محصولات نهایی افزایش دهند.

سنگیز ارول و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، به بررسی و مقایسه عملکرد بانک‌های اسلامی و غیراسلامی در کشور ترکیه با استفاده از الگوی CAMEL پرداختند و نتایج نشان داد کیفیت دارایی و سودآوری بانک‌های اسلامی بالاتر بوده است. این سودآوری بالاتر می‌تواند، نتیجه مزیت‌های مالیاتی و هزینه‌های پایین‌تر بانک‌های اسلامی در ترکیه باشد.

۱-۲-۲- پیشینه داخلی

بیدآبادی و الهیاری (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی کارایی نسبی مدیریت دارایی و بدهی در بانکداری اسلامی پرداختند و با مقایسه نسبت‌های مالی به این نتیجه رسیدند که بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری متعارف کارا تر می‌باشد.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۷) به تجزیه و تحلیل بانک‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با کشورهای حوزه خلیج فارس طی سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۱ پرداختند، نتایج حاصل حاکی از آن است که به‌طور کلی عملکرد مالی بانک‌های حوزه خلیج فارس نسبت به بانک‌های دولتی ایران از وضعیت مطلوبتری برخوردار است.

موسویان و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نقش شورای فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی (مطالعه تجربه چند کشور اسلامی)» با روش توصیفی و تحلیل محتوا انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که چنین نهادی با نظارت بر انطباق قوانین و عملکرد بانک‌ها با موازین اسلامی، فضای اعتماد را برای کارگزاران و فضای

^۱ Cengiz Erol et al.

اطمینان را برای مشتریان بانک‌ها فراهم می‌کند و ریسک شریعت را کاهش می‌دهد و با بروز کردن قانون عملیات بانکی و طراحی ابزارهای مالی جدید بر کارایی بانکداری اسلامی می‌افزاید. نبی و دیگران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف در ایران و مالزی با رویکرد سودآوری» به مقایسه عملکرد ۸ بانک ایرانی و ۴ بانک اسلامی مالزی و ۷ بانک متعارف مالزی پرداختند. نتایج حاکی از برتری مطلق شاخص سودآوری در بانکداری متعارف مالزی در مورد متغیرهای نسبت تسهیلات به دارایی و نسبت هزینه‌های غیربهره‌ای به کل دارایی نسبت به سایر رقبای بانکی خود بود.

محققان و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «مقایسه عملکرد بانک‌های اسلامی و غیراسلامی در کشور قطر با استفاده از الگوی CAMELS» به مقایسه بانک‌های اسلامی و غیراسلامی قطر پرداختند. نتایج حاکی از آن است که بانک‌های اسلامی در شاخص‌های کفایت سرمایه، کیفیت مدیریت و کیفیت دارایی‌ها مطلوب‌تر و بانک‌های غیراسلامی از نظر شاخص نقدینگی و اندازه و سایز در وضعیت بهتری قرار دارند.

موسویان در کتاب بانکداری اسلامی با استفاده از روش‌های تحلیل عمودی و افقی به ارزیابی کارایی بانکداری ایران پرداخته است. با استفاده از تحلیل عمودی، نتیجه‌گیری شده است که بانکداری بدون ربا در زمینه توزیع بهینه منابع بانکی بین بخش‌های مهم اقتصادی نیز صحیح عمل کرده و به سمت حمایت از بخش تولیدی (مسکن، صنعت، کشاورزی) حرکت نموده است. بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا در طول زمان (افقی) نیز نشان می‌دهد که متأسفانه نظام بانکی نه تنها به سمت رهایی از حقیقت بهره پیش نرفته بلکه با اتخاذ برخی روش‌ها و راهکارها (از جمله رشد عقود با بازده ثابت) به سمت آن نظام کشیده شده است. همچنین با گذشت زمان جهت‌گیری فعالیت‌های بانک‌ها عمدتاً به سمت به‌کارگیری عقود با بازده ثابت بوده است. در مجموع نیز نتیجه‌گیری شده است که نظام بانکی چه قبل از بانکداری بدون ربا و چه بعد از آن از برای معیار سوددهی به سپرده‌گذاری نامحدودی کارآمد بوده است (موسویان، ۱۳۸۱، ۲۰۶-۲۰۹).

با توجه به پژوهش‌های صورت پذیرفته، پژوهش حاضر بر آن است تا با مقایسه عملکرد مالی بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس با بانکداری اسلامی بدون ربا در ایران و شناخت نقاط قوت و ضعف نظام بانکداری ایران، مدیران و دیگر سیاست‌گذاران نظام بانکی کشور را

به تدوین راهبرد جامع برای تجدید ساختار بانکی ترغیب و به سمت سیاست‌گذاری در جهت نیل به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور سوق دهد.

۲- روش تحقیق

این تحقیق بررسی شاخص‌های کلیدی عملکرد بانک‌ها براساس شاخص CAMEL بین بانک‌های تجاری خصوصی شده ایران و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ شمسی می‌باشد. بانک‌های ایرانی شامل چهار بانک تجارت، صادرات، رفاه و ملت که طبق اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی اعلام شده و سهام آن در بورس واگذار گردیده به دلیل ماهیت عملیات تجاری و همگن بودن مورد توجه قرار گرفته است. بانک‌های منتخب حوزه خلیج فارس شامل؛ بانک اسلامی ابوظبی^۱، بانک اسلامی قطر^۲، بانک اسلامی دبی^۳، بانک اسلامی الراجحی عربستان^۴ و بانک اسلامی خانه مالی کویت^۵، با توجه به در دسترس بودن اطلاعات و در نظر گرفتن قابلیت تعمیم به سایر بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس، به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند.

در این تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه‌ای شامل مطالعه کتب، اسناد و مدارک و گردآوری مطالب مورد نیاز از پایگاه‌های اطلاعاتی، اینترنتی اقدام شده است. به منظور تهیه صورت‌های مالی بانک‌های ایرانی، جمع‌آوری صورت‌های مالی و گزارش سالیانه این بانک‌ها از طریق پایگاه‌های اینترنتی و گردآوری اطلاعات مکمل از طریق بانک مرکزی و انتشارات مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران اقدام شده است. اطلاعات مالی کشورهای حوزه خلیج فارس نیز از طریق صورت‌های مالی و گزارش سالیانه پایگاه اینترنتی این بانک‌ها و همچنین سایت پژوهشکده پولی و مالی استخراج گردیده است. پس از جمع‌آوری اطلاعات و استخراج داده‌ها به منظور تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها،

¹ Abu Dhabi Islamic Bank

² Qatar Islamic Bank

³ Dubai Islamic Bank

⁴ Al Rajhi Banking & Investment

⁵ Kuwait Finance House

از روش آزمون t -مستقل، t -تک نمونه‌ای و تجزیه و تحلیل واریانس در نرم‌افزار SPSS با استفاده از شاخص‌های کلیدی عملکرد بانک‌ها در مدل CAMEL استفاده شده است.

۳- آزمون فرضیه‌ها و تحلیل نتایج

این پژوهش در قالب هشت فرضیه بیان شده است که فرضیه‌ها؛ نسبت بازده دارایی، بازده سرمایه و نسبت کارایی، کیفیت مدیریت و سودآوری را تبیین می‌نمایند. نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به دلیل اهمیت آن به‌طور جداگانه به تبیین کیفیت دارایی‌ها می‌پردازد.

۳-۱- بازده دارایی

بین بازده دارایی بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۲- بازده سرمایه

بین بازده سرمایه بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۳- نسبت کارایی

بین نسبت کارایی بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۴- نسبت نقدینگی

بین نسبت نقدینگی بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۵- نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده

بین نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۶- نسبت کفایت سرمایه

بین نسبت کفایت سرمایه بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۷- ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات اعطایی

بین نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۳-۸- نسبت کیفیت دارایی‌ها

بین نسبت کیفیت دارایی‌های بانک‌های خصوصی شده ایران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و بانک‌های اسلامی کشورهای حوزه خلیج فارس تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره ۱: نتایج آزمون‌های t-مستقل

آزمون	آماره آزمون t	میانگین بانک‌های ایرانی	میانگین بانک‌های عربی	سطح معنی‌داری (p-value)	نتیجه
نسبت بازده دارایی	-۴/۱۳۱	۰/۰۰۹۵	۰/۰۲۳۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه*
نسبت بازده سرمایه	۰/۱۷۵	۰/۱۶۴۰	۰/۱۵۹۳	۰/۸۶۲	رد فرضیه
نسبت کارایی	۶/۴۵۷	۰/۸۰۲۷	۰/۵۳۴۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه*
نسبت نقدینگی	-۱/۶۶۱	۰/۲۳۱۲	۰/۲۶۸۸	۰/۱۰۵	رد فرضیه
نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها	۰/۳۶۴	۰/۷۹۱۶	۰/۷۷۴۹	۰/۷۱۹	رد فرضیه
نسبت کفایت سرمایه	-۱۰/۴۶۲	۰/۰۷۸۱	۰/۱۷۴۰	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه*
نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات اعطایی	-۱/۳۸۲	۰/۰۵۱۱	۰/۰۹۳۳	۰/۱۷۸	رد فرضیه
نسبت کیفیت دارایی‌ها	۹/۷۷۷	۰/۲۷۸۷	۰/۰۵۰۹	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه*

با توجه به این که آزمون t مستقل به میانگین دو جامعه آماری با استفاده از داده‌ها صرف نظر از این که چه مقداری دارند می‌پردازد، برای تبیین و مقایسه بهتر میانگین دو جامعه با مقادیر استاندارد متغیرها، به آزمون t تک نمونه‌ای هر یک از فرضیه‌های فرعی به شرح ذیل می‌پردازیم.

۴- فرضیه‌های دیگر:

از آنجایی که نسبت بازده دارایی‌ها براساس اعلام بانک جهانی برابر ۱ درصد می‌باشد، می‌توان فرضیه‌های زیر را داشت:

۴-۱- نسبت بازده دارایی برای کل بانک‌های ایرانی

نسبت بازده دارایی‌ها برای کل بانک‌های ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۱ درصد می‌باشد.

۴-۲- نسبت بازده دارایی برای کل بانک‌های عربی

نسبت بازده دارایی‌ها برای کل بانک‌های عربی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۱ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۲: نتیجه آزمون t - تک نمونه‌ای

نتیجه	سطح معنی‌داری (p-value)	آماره آزمون t	میانگین نسبت بازده دارایی	آزمون
تأیید فرضیه	۰/۶۴۱	-۰/۴۷۴	۰/۰۰۹۵	مقایسه نسبت بازده دارایی‌های بانک‌های ایرانی با نرم استاندارد ۱ درصد
رد فرضیه*	۰/۰۰۰۳۲۴	۴/۱۹۲	۰/۰۲۳۹	مقایسه نسبت بازده دارایی‌های بانک‌های عربی با نرم استاندارد ۱ درصد

* با توجه به اینکه فرضیه برای بانک‌های عربی رد شده است آزمون یک طرفه انجام دادیم و نتیجه گرفتیم که این نسبت برای بانک‌های عربی بیش از ۱ درصد است.

شاخص بازده دارایی ROA، از معیارهای مهم سودآوری و بیان‌کننده استفاده مطلوب بانک از دارایی‌های خود است. این نسبت برای بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس نزدیک به $\frac{2}{3}$ و برای بانک‌های خصوصی‌شده ایران نزدیک به ۱ می‌باشد. بدین ترتیب این نسبت برای بانک‌های عربی $\frac{2}{3}$ برابر بانک‌های ایرانی است که می‌تواند ناشی از پرداخت سودهای توافقی و در نتیجه افزایش هزینه‌های بهره‌ای و کاهش درآمد در بانک‌های ایران باشد. نتایج حاصل از آزمون آماری نشان می‌دهد که بین نسبت بازده دارایی‌ها بین دو گروه، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

از آنجایی که نسبت بازده سرمایه براساس اعلام بانک جهانی برابر ۱۵ درصد می‌باشد، می‌توان فرضیه‌های زیر را داشت:

۴-۳- نسبت بازده سرمایه برای کل بانک‌های ایرانی

نسبت بازده سرمایه برای کل بانک‌های ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۱۵ درصد می‌باشد.

۴-۴- نسبت بازده سرمایه برای کل بانک‌های عربی

نسبت بازده سرمایه برای کل بانک‌های عربی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۱۵ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۳: نتیجه آزمون t- تک نمونه‌ای

نتیجه	سطح معنی‌داری (p-value)	آماره آزمون t	میانگین	آزمون
تأیید فرضیه	۰/۵۴۱	۰/۶۲۳	۰/۱۶۳۹۸۹۱	مقایسه نسبت بازده سرمایه بانک‌های ایرانی با نرم استاندارد ۱۵ درصد
تأیید فرضیه	۰/۵۶۷	۰/۵۸۰	۰/۱۵۹۲۸۰۰	مقایسه نسبت بازده سرمایه بانک‌های عربی با نرم استاندارد ۱۵ درصد

شاخص بازده سرمایه (ROE) معیار مستقیمی از بازده سهامداران است. این نسبت کاملاً تحت تأثیر ساختار سرمایه بانک است و نشان می‌دهد به‌ازای هر واحد سرمایه چند واحد سود خالص کسب شده است. این نسبت معیاری از توان سودآوری بانک و همچنین توان بانک در جذب سرمایه جدید و تأمین مالی می‌باشد که میانگین این نسبت برای بانک‌های ایرانی مورد مطالعه ۱۶/۴۰ و برای بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس ۱۵/۹۳ می‌باشد که این نسبت بالاتر از حداقل استاندارد جهانی می‌باشد که نتایج حاصل از آزمون آماري نشان می‌دهد بین این دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد.

از آنجایی که نسبت کارایی براساس اعلام بانک جهانی برابر ۵۰ درصد می‌باشد، در زیر می‌توان فرضیه‌های زیر را داشت:

۴-۵- نسبت بازده کارایی برای کل بانک‌های ایرانی

نسبت بازده کارایی برای کل بانک‌های ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۵۰ درصد می‌باشد.

۴-۶- نسبت بازده کارایی برای کل بانک‌های عربی

نسبت بازده کارایی برای کل بانک‌های عربی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۵۰ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۴: نتیجه آزمون t- تک نمونه‌ای

نتیجه	سطح معنی‌داری (p-value)	آماره آزمون t	میانگین	آزمون
رد فرضیه	۰/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	۰/۸۰۲۷	مقایسه نسبت بازده کارایی بانک‌های ایرانی با نرم استاندارد ۵۰ درصد
تأیید فرضیه	۰/۳۲	۱/۰۱۵	۰/۵۳۴۹	مقایسه نسبت بازده کارایی بانک‌های عربی با نرم استاندارد ۵۰ درصد

این نسبت برای بانک‌های ایرانی بیش از ۵۰ درصد است. با توجه به اینکه این نسبت از تقسیم هزینه به درآمد به دست می‌آید، در نتیجه بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس در وضعیت مطلوبی قرار دارند.

نسبت هزینه کل به درآمد کل به نوعی کارایی هزینه‌ای بانک را نشان می‌دهد که هر چه این نسبت کمتر باشد بانک به لحاظ هزینه کاراتر خواهد بود. همچنین شاخص کیفیت مدیریت نیز می‌باشد که تأثیر زیادی در ثبات و سلامت بانک‌ها دارد. این نسبت برای بانک‌های ایران ۸۰/۲ درصد و بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس ۵۳/۴۹ درصد بوده است که نشان می‌دهد بانک‌های ایرانی مورد بحث در کسب سود و مدیریت هزینه موفقیت مطلوبی ندارند. نتایج حاصل از آزمون نیز نشان می‌دهد که بین نسبت کارایی هزینه دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد.

از آنجایی که نسبت کفایت سرمایه براساس اعلام بانک جهانی برابر ۸ درصد می‌باشد، می‌توان فرضیه‌های زیر را داشت:

۴-۷- نسبت کفایت سرمایه برای کل بانک‌های ایرانی

نسبت کفایت سرمایه برای کل بانک‌های ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۸ درصد می‌باشد.

۴-۸- نسبت کفایت سرمایه برای کل بانک‌های عربی

نسبت کفایت سرمایه برای کل بانک‌های عربی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۸ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۵: نتیجه آزمون t- تک نمونه‌ای

نتیجه	سطح معنی‌داری (p-value)	آماره آزمون t	میانگین	آزمون
تأیید فرضیه	۰/۷۳۷	-۰/۳۴۰	۰/۰۷۸۱۱۳۱	نسبت کفایت سرمایه بانک‌های ایرانی با نرم استاندارد ۸ درصد
رد فرضیه	۰/۰۰۰	۱۳/۶۵۱	۰/۱۷۴۰۱۶۰	نسبت کفایت سرمایه بانک‌های عربی با نرم استاندارد ۸ درصد

با توجه به این‌که فرضیه برای بانک‌های عربی رد شده است آزمون یک طرفه انجام دادیم و نتیجه گرفتیم که این نسبت برای بانک‌های عربی بیش از ۰/۰۸ است. مقایسه نسبت کفایت سرمایه، نشانگر قدرت مقابله بانک با بدهی‌ها و ریسک‌های عملیاتی و اعتباری است و به این نکته اشاره دارد که بانک با استفاده از منابع داخلی خود تا چه حد می‌تواند با انواع ریسک‌ها مقابله نماید.

نرخ کفایت سرمایه برای بانک‌های اسلامی معادل ۴۰/۱۷ می‌باشد که به مراتب بیش از بانک‌های ایرانی با میانگین ۸/۷ می‌باشد، بنابراین میانگین این نسبت در بانک‌های ایران پایین‌تر از استاندارد می‌باشد. پایین بودن نرخ تورم در کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس از عوامل مؤثر بر بالا بودن نرخ کفایت سرمایه می‌باشد. بنابراین نتایج حاصل از آزمون آماری نشان می‌دهد که بین نسبت کفایت سرمایه دو گروه، تفاوت معناداری وجود دارد. از آنجایی که نسبت استاندارد تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها براساس اعلام بانک جهانی بین ۷۰ تا ۸۰ درصد می‌باشد، در زیر می‌توان فرضیه‌های زیر را داشت:

۴-۹- نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها برای کل بانک‌های ایرانی

نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها برای کل بانک‌های ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۷۵ درصد می‌باشد.

۴-۱۰- نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها برای کل بانک‌های عربی

نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها برای کل بانک‌های عربی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ برابر ۷۵ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۶: نتیجه آزمون t- تک نمونه‌ای

نتیجه	سطح معنی‌داری (p-value)	آماره آزمون t	میانگین	آزمون
تأیید فرضیه	۰/۳۵۳	۰/۹۵۱	۰/۷۹۱۵۶۲۶	نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌های ایرانی با نرم استاندارد ۷۵ درصد
تأیید فرضیه	۰/۰۸۴	۱/۸۰۳	۰/۷۷۴۸۸۰۰	نسبت تسهیلات اعطایی بانک‌های عربی با نرم استاندارد ۷۵ درصد

در مورد نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها، استاندارد این نسبت بین ۷۰ تا ۸۰ درصد می‌باشد که این نسبت برای بانک‌های ایرانی نزدیک به ۸۰ درصد و برای بانک‌های حوزه خلیج فارس نیز ۷۷/۴ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر، هر دو گروه در محدوده استاندارد قرار گرفته‌اند و نتایج حاصل از آزمون بیان می‌دارد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود ندارد.

در مؤسسات بانکی کیفیت دارایی‌ها به وسیله کیفیت وام‌ها یعنی نسبت مطالبات مشکوک‌الوصول به کل تسهیلات اعطایی و نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به کل تسهیلات اعطایی محاسبه می‌گردد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات برای بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس، معادل ۹ درصد و بانک‌های ایرانی، ۵ درصد می‌باشد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود ندارد، ولی در مورد نسبت مطالبات معوق و سررسید گذشته به کل تسهیلات در بانک‌های ایرانی این نسبت برابر ۲۷ درصد و در بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس برابر ۵ درصد می‌باشد که این موضوع در اکثر بانک‌های ایرانی مورد بحث ناشی از رکود تورمی، نوسانات نرخ ارز، تحریم‌ها و همچنین وام‌های تکلیفی بوده که از طرف دولت بر سیستم بانکی تحمیل شده است و باعث کاهش کیفیت دارایی بانک‌های ایرانی شده است و نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد. همچنین مدیریت نقدینگی نیز از عوامل تأثیرگذار بر مقاومت بانک‌ها در شرایط بحران نقدینگی است. هر چه قدر میزان نقدینگی بانک بیشتر باشد آسیب‌پذیری بانک در بحران‌های نقدینگی کمتر است که نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که بین این دو نسبت، تفاوت معناداری وجود ندارد.

۵- جمع‌بندی، نتایج و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی و مقایسه عملکرد بانک‌های خصوصی شده جمهوری اسلامی ایران با بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس با استفاده از الگوی CAMEL پرداختیم، برای دستیابی به این هدف از نسبت‌های مالی بانک‌های مورد بررسی طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ استفاده کردیم. بانک‌های اسلامی از نظر شاخص کفایت سرمایه، به دلیل داشتن سرمایه بالا و مناسب، از برتری نسبی برخوردار بودند، به طوری که نرخ کفایت سرمایه در

این بانک‌ها به مراتب از حداقل نرخ استاندارد، بالاتر بوده است و پایین بودن نرخ تورم طی سال‌های مورد بررسی از عوامل مؤثر بر بالا بودن نرخ کفایت سرمایه بوده است. بانک‌های اسلامی خلیج فارس برای کنترل بهتر ریسک‌های اعتباری توانسته‌اند میزان مطالبات غیرجاری را تا حد زیادی کاهش دهند و از نظر کیفیت دارایی، وضعیت بهتری نسبت به بانک‌های ایرانی داشته باشند.

برای محاسبه شاخص کیفیت مدیریت، از نسبت هزینه‌ها به درآمدها استفاده شده است، نتایج نشان داد که بانک‌های اسلامی از نظر این شاخص بسیار بهتر از بانک‌های ایرانی عمل کرده‌اند، در واقع توانایی مدیریتی بالای بانک‌های اسلامی در پوشش دادن هزینه‌ها با استفاده از درآمدها، سبب شده است که این بانک‌ها سودآورتر باشند. برای محاسبه شاخص سودآوری از دو نسبت بازده دارایی‌ها استفاده نمودیم که نشان‌دهنده توانایی مدیریت در استفاده کارا از دارایی‌هاست و بازده سرمایه که میزان کارایی شرکت در خلق سود برای سهامداران را بررسی می‌کند و بازده دارایی بانک‌های اسلامی به مراتب بیش از بانک‌های ایرانی بود و بازده سرمایه هر دو بانک تقریباً مشابه بود.

نتایج نشان داد که بانک‌های اسلامی از نظر شاخص نقدینگی در وضعیت مشابهی نسبت به بانک‌های ایرانی برخوردارند، ولی این نسبت پایین می‌باشد، زیرا بانک‌های اسلامی و به تبع آن بانک‌های ایران به‌منظور کسب سود بیشتر، دارایی‌های نقد کمتری نگهداری می‌کنند. به‌طور کلی، در کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس بانک‌های اسلامی با داشتن ثبات و سلامت مالی بیشتر در طول سال‌های مورد بررسی، توانسته‌اند سهم نسبی دارایی‌های خود را افزایش داده، عملکرد بهتری داشته باشند. همچنین با توجه به بالا بودن کیفیت مدیریت در بانک‌های اسلامی، این بانک‌ها توانسته‌اند سودآوری بیشتری داشته باشند.

به‌منظور شفاف‌سازی عملکرد نظام بانکداری بدون ربا، همچنین عملکرد اقتصادی سیستم بانکی بر پایه عدالت، باید بانک مرکزی به‌طور مستقل عمل نموده تا از این طریق تسهیلات تکلیفی و دستوری حذف و حمایت دولت از طریق پرداخت یارانه مستقیم صورت پذیرد تا بدین طریق از مطالبات معوق بانک‌ها به‌دلیل عدم کارشناسی اعتباری در پرداخت‌ها کاسته شده و از رانت جلوگیری شود. همچنین به‌منظور اثربخشی سیستم بانکی مدیران بانک‌ها از داخل خود بانک‌ها انتخاب شوند و باید کارشناسانی باشند که بر موضوعات مربوط

به سیاست‌های پولی و مالی کلان، روند کسب و کارها و ایجاد تمرکز ریسک در بخش بانکداری اطلاع کافی داشته، بین سیاست‌های خرد و کلان، رابطه تکاملی به‌وجود آورند و به اطلاعات فقط ترازنامه‌ای بسنده ننمایند. پالایش مقررات و استانداردسازی، به‌منظور ایجاد روابط شفاف بین بانک‌های اسلامی و مؤسسات مالی بین‌المللی و افزایش رتبه اعتباری بانک‌های جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی، از دیگر پیشنهادات برای پیشبرد اهداف بانکداری بدون ربا در ایران است.

در مرحله دوم، برای برطرف ساختن ضعف‌های اجرا و پیاده‌سازی مقررات باید، به تقویت قوای نظارتی از جمله نظارت فقهی و شرعی پرداخت. مسلماً تقویت قانون بدون بازوان نظارتی به اجرای دقیق و کامل نمی‌انجامد و انحراف از قوانین و مقررات و حرکت به سوی صوری‌سازی و شبهات ربا را به ارمغان می‌آورد.



منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ۱- احمدیان، اعظم: *ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی در بانک‌های ایران*، سال ۹۱-۱۳۹۰، مقاله کاری شماره ۹۲۲۲، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۲- بهرامی، مهناز، *بررسی رتبه‌بندی CAMEL در بانک‌های اسلامی*، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
- ۳- بیدآبادی، بیژن؛ الهیاری، محمود (۱۳۸۷): *بررسی کارایی نسبی مدیریت دارایی و بدهی در بانکداری اسلامی*، فصلنامه اقتصاد و تجارت شماره ۱۲.
- ۴- صدقی، حسین (۲۰۱۲): *اصول ۳۹ گانه برای نظارت بانکی مؤثر*، انتشارات کمیته نظارت بریال، سپتامبر.
- ۵- صمدی، علی حسین و پروین، مجتبی (۱۳۹۴): *بررسی چالش‌های نظری و عملی بانکداری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با بانک‌های بین‌المللی اسلامی و غیراسلامی*، مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.
- ۶- عباسقلی‌پور، محسن (۱۳۸۹): *عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد بانک‌ها*، فصلنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۰۶، خردادماه.
- ۷- شاهچرا، مهشید: *مقایسه بانکداری در ایران و منطقه خاورمیانه*، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰، سال هشتم.

- ۸- خنیفر، حسین؛ بزاز، زینب؛ تهرانی، رضا و محقق‌نیا محمدجواد (۱۳۹۴): *بررسی و مقایسه بانک‌های دولتی و خصوصی براساس مدل CAMEL*، نشریه مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره ۱۳، تابستان، ص ۴۶۱-۴۳۷.
- ۹- سراج، سودابه و طاهری، ماندانا (۱۳۹۱): *نظارت بانکی براساس سیستم هشدار سریع، با استفاده از نسبت‌های CAMEL*، در قالب مدل لاجیت، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، شماره ۱۲، تابستان، ص ۵۱-۴۹.
- ۱۰- محقق‌نیا و دیگران (۱۳۹۳): *واکاوی راهکارهای ارتقاء عملیات بانکداری بدون ربا با شیوه بررسی تطبیقی عوامل تأثیرگذار بر کارایی در ایران و سایرکشورها با رویکرد تحلیل پوششی داده‌ها*.
- ۱۱- محرابی، لیلیا: *اطلاعات آماری بانکداری اسلامی*، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۱۲- محقق‌نیا، محمدجواد؛ بالوندی، علی و کاردر، سوده (۱۳۹۴): *مقایسه عملکرد بانک‌های اسلامی و غیراسلامی در کشور قطر با استفاده از الگوی CAMEL*، مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.
- ۱۳- مشایخی، بیتا؛ کاظمی، رسول و بهبهانی‌نیا، پریسادات (۱۳۸۷): *مقایسه و تجزیه و تحلیل بانک‌های دولتی ایران با بانک‌های اسلامی حوزه خلیج فارس*، مجله مطالعات مالی، زمستان.
- ۱۴- موسویان و همکاران (۱۳۸۸): *نقش شورای تخصصی، فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی*، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۳۶.

۱۵- نصر، مجید؛ کرمعلی، سعید و محمد هدایتی (۱۳۹۲): *بانکداری اسلامی، راهکارها و چالش‌های مدیریت نقدینگی*، نخستین کنفرانس ملی توسعه و مدیریت پولی و بانکی، ۸ و ۹ بهمن ۱۳۹۲- مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما.

۱۶- نبی، منوچهر و دیگران (۱۳۹۰): *مطالعه تطبیقی بانکداری اسلامی و متعارف ایران و مالزی با رویکرد سودآوری*، مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران، ۱۳۹۰.

۱۷- اهرابی، فریدون و تقوی طلب، محسن (۱۳۹۳): *احتمالات و تحلیل آماری*، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.

۱۸- بیدرام، حمید (۱۳۹۴): *راهنمای نرم‌افزار spss*، جزوه مورد استفاده در کارگاه‌های آموزشی دانشگاه اصفهان.

ب. منابع انگلیسی

- 1- Derviz, A. and J. Podpiera (2008): *Predicting Bank CAMELS and S&P Ratings: The Case of the Czech Republic*, Emerging Markets Finance and Trade, Vol. 44, no. 1, p. 117-130.
- 2- Atikog˘ ulları, M (2009): *An Analysis of the Northern Cyprus Banking Sector In the Post -2001 Period Through the CAMELS Approach*, International Research Journal of Finance and Economics, No. 32,pp. 212-229.
- 3- Samad, A (1999): *Comparative Efficiency of the Islamic Bank Malaysia Vis-a`-Vis conventional Banks*, Journal of Economics and Management, Vol. 7 No. 1, pp. 1-27.

- 4- Samad, A. and Hassan, M. K (2000): ***The Performance of Malaysian Islamic Bank during 1984- 1997: an Exploratory Study***, International Journal of Islamic Financial Services, Vol. 10 No. 3, pp. 7-26.
- 5- Yahya, M. H. , Muhammad, J. and Abdul Hadi, A. R (2012): ***A Comparative Study on the Level Of Efficiency Between Islamic and Conventional Banking Systems In Malaysia***, International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, Vol. 5 No. 1, pp 48-62.
- 6- Moh'd M. Ajlouni and Hamed O. Omari (2013): ***Performance Efficiency of The Jordanian Islamic Banks Using Data Envelopment Analysis and Financial Ratios Analysis***, European Scientific Journal, Special, Edition No. 1.
- 7- Cengiz Erol, Hasan F. Baklaci, Berna Aydog˘an and Go˘kc,e Tunc (2013): ***Performance Comparison of Islamic (participation) Banks and Commercial Banks in Turkish Banking Sector Department of International Trade and Finance***, Izmir University of Economics, Izmir, Turkey. www.mbri.ac.ir